

جامعه مطلوب و جامعه مدنی در گفتمان امام خمینی (س)

ابوالفضل مروی^۱

محمد مهدی فرقانی^۲

چکیده: مقاله حاضر، برگرفته از تحقیق مفصلی درباره جایگاه جامعه مطلوب و جامعه مدنی در گفتمان امام خمینی است. امام خمینی در آثار خود، اصطلاح جامعه مدنی یا جامعه مطلوب را به کار نبرده‌اند. ولی به ویژگی‌ها و مؤلفه‌های چنین جامعه‌ای اشارات فراوانی دارند که در موقعیت‌های مکانی و زمانی متفاوت، مطرح شده است. در این تحقیق به استناد نظریات اندیشمندان و فلاسفه سیاسی، جامعه مدنی به معنای عام جامعه مطلوب در نظر گرفته شده است که جامعه مدنی به معنای خاص (سازمان‌ها و نهادهای مردمی مستقل از دولت) را نیز شامل می‌گردد. با چنین مفهومی و با استفاده از روش تحلیل گفتمان که یک روش تحقیقی - تفسیری است، معانی و مفاهیم و چگونگی این جامعه در گفتمان امام مورد بررسی قرار می‌گیرد. به این ترتیب پرسش تحقیق از این قرار است:

جامعه مطلوب و جامعه مدنی در گفتمان امام خمینی در دوره‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی چه جایگاه و ویژگی‌هایی دارد و مشتمل بر چه رویکردها و مفاهیمی است؟ نتایج حاصل از تحلیل گفتمان امام خمینی، حاکی از آن است که مؤلفه‌های جامعه مطلوب و جامعه مدنی در اندیشه امام مورد پذیرش و تأکید است ولی ارزش و اعتبار آنها - در نمونه‌های منتخب - یکسان نیست. این گفتمان انعطاف‌پذیری گسترده‌ای دارد و مظاهر تمدن جدید را در چارچوب عام و جهانشمول خود می‌پذیرد.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، گفتمان امام، تحلیل گفتمان، جامعه مطلوب، جامعه مدنی

E-mail: abbas_marvi@yahoo.com

۱. مدرس مدعو دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی

E-mail: Mmforghani@yahoo.com

۲. استادیار دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱/۱۸

تاریخ ارسال: ۱۳۹۲/۱۰/۲۱

پژوهشنامه متین/سال شانزدهم/شماره شصت و سه/تابستان ۱۳۹۳/صص ۱۶۹-۱۴۳

مقدمه

گفتمان «جامعه مدنی» یکی از گفتمان‌های نسبتاً جدید در روند تحولات سیاسی کشور ما است. آنچه از متون تولید شده داخلی در حوزه این گفتمان به دست می‌آید، طراحی یک جامعه مطلوب و رو به پیشرفت است. البته اصطلاح جامعه مدنی^۱ به اندیشه‌های حکمای یونان باستان برمی‌گردد و در طول تاریخ سیاسی، معانی و مفاهیم مختلفی برای آن وضع شده است. در طول قرون متمادی، رابطه دولت و مردم، علت و چگونگی تشکیل دولت، ویژگی‌های دولت مطلوب، وظایف دولت و شهروندان، حقوق و آزادی‌های شهروندان در چارچوب نظام سیاسی و مسائل و موضوعات مربوط به این موارد، مباحث محوری فلسفه سیاسی را شکل داده است. از مدینه فاضله افلاطون و جامعه مدنی فارابی تا امروز این مقولات محرک نظریه پردازی‌ها و طرح‌های اندیشمندان سیاسی و انقلابیون عالم و بروز و ظهور گفتمان‌های گوناگون بوده است. امام خمینی به عنوان یکی از متفکران مشهور عالم سیاست و یکی از بزرگ‌ترین انقلابیون جهان که انقلاب اسلامی ایران را به ثمر رساند درباره مسائل مزبور مطالب فراوانی را در زمان‌ها و شرایط گوناگون بیان کرده است که گفتمان سیاسی امام را شکل می‌دهد. این مقاله با ابتنا به دیدگاه‌ها و نظریه‌پردازی‌های فلاسفه و متخصصان موضوع، مؤلفه‌های جامعه مطلوب و جامعه مدنی را در گفتمان امام خمینی بیان می‌کند.

ضرورت و اهمیت موضوع

ارزش و اهمیت اندیشه‌های امام خمینی به عنوان رهبری که با حمایت مردم ایران توانست به نظام دیرینه شاهنشاهی خاتمه دهد و بزرگ‌ترین انقلاب مذهبی را در قرون معاصر به ثمر رساند و نظامی نو برپا سازد برای همگان روشن است. بسیاری از متفکران و مسئولان و دست‌اندرکاران امور کشور و حتی اندیشمندان و سیاستمداران خارجی، راه حل مشکلات مملکت ما و جهان امروز را رجعت به اصول اندیشه‌های امام و عمل بدانها می‌دانند.^۲ البته برداشت‌های متفاوت و گاه

1 . civil society

۲. بسیاری از مقالات و مصاحبه‌های مندرج در فصلنامه حضور بر این نکته تأکید دارند. برای نمونه ر. ک «امام خمینی منادی حکومت مطلوب و سیاستمداری مطلوب» نوشته فیروز دولت آبادی (حضور شماره ۱۵)؛ «حکومت برگزیده» نوشته سید افضل حیدر (حضور شماره ۱۷)؛ «دستاوردهای انقلاب اسلامی در جهان امروز» نوشته احمد هوبر (حضور

متضادی - خصوصاً در داخل کشور - از اندیشه‌های امام مطرح می‌شود که ضرورت بررسی گفتمان امام را مضاعف می‌کند.

امام خمینی تنها متفکر و انقلابی کشور ماست که ویژگی‌هایی منحصر به فرد دارد از قبیل بیش از ۶۰ سال فعالیت و حضور در عرصه سیاسی، نوشتن ده‌ها کتاب و صدور هزاران پیام شفاهی و کتبی، طراحی و رهبری انقلاب اسلامی پیش از پیروزی، به پیروزی رساندن انقلاب، بنیانگذاری نظام جدید و رهبری آن در دشوارترین مراحل بعد از پیروزی، مرجعیت شیعه و محبوبیت گسترده داخلی و خارجی و بازخوانی اندیشه‌های او با توجه به مقبولیت آن از سوی عامه مردم و اشخاص و گروه‌های مختلف داخلی و خارجی مسلماً درس آموزی لازمی است که برای آینده راهگشا خواهد بود. از سوی دیگر، نظریات و دیدگاه‌های جامعه مدنی عموماً مردم محور و مردم سالارند و در راستای وصول به جامعه مطلوب مطرح می‌شوند که هدف اساسی هر جامعه‌ای است. بنابراین هرچه اینگونه مباحث به صورت صحیح در جامعه بیشتر مطرح باشد، تأثیر آن طبعاً بیشتر خواهد بود و احتمال تضعیف مشارکت همگان در زندگی جمعی و کجروی دستگاه‌های دولتی کمتر خواهد شد. و سرانجام اینکه تحقیق درباره آراء و اندیشه‌های امام خمینی، مبنای قانونی نیز دارد و با توجه به قانون تشکیل موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی و نیز مقررات و ضوابطی که در برنامه‌های توسعه کشور خصوصاً ماده ۱۵۹ قانون برنامه سوم توسعه و ماده ۱۰۸ قانون برنامه چهارم توسعه آمده است اینگونه تحقیقات و جاهت قانونی نیز پیدا کرده است.

تاریخچه و مبانی نظری

(جامعه مطلوب و جامعه مدنی و نسبت آنها با یکدیگر)

جامعه مطلوب یعنی جامعه ایده آل و آرمانی بشر. از هزاران سال قبل انسان در پی این بوده است تا جامعه‌ای به وجود آورد که سعادت و پیشرفت او را تأمین کند. تاریخ اندیشه سیاسی، نشان می‌دهد

۱) «موضع امام خمینی در حمایت از مظلومان» نوشته جانی مامبوه (حضور شماره ۱۱)؛ «نظم و امنیت اجتماعی از منظر امام خمینی» نوشته علیمحمد حاضری؛ «اندیشه انقلابی امام خمینی» نوشته گنوگی سانیکیدره و... همچنین برای نمونه ر. ک مصاحبه با پروفیسور حمید مولانا (حضور شماره ۲۹)؛ مصاحبه با عبدالعزیز ساشا دینا (شماره ۲۰ مجله حضور)؛ انقلاب کلام، سخنرانی سید محمد خاتمی (حضور شماره ۲۰)؛ مصاحبه با پاول گوندانی (حضور شماره ۳۳)؛ مصاحبه با احمد هوبر (شماره ۳۰) و...

که از دوران یونان باستان تا حدود قرن هیجدهم میلادی چنین جامعه‌ای را عموماً جامعه مدنی - یا جامعه شهری - می‌نامیدند، مانند «مدینه فاضله» افلاطون، «جامعه مدنی» فارابی، «شهر خدا» ی سنت آگوستین^۱ و...

جامعه مدنی، جامعه‌ای بود که در برابر جوامع بدوی و روستایی و قبیله‌ای و نظایر اینها قرار می‌گرفت و در نتیجه واجد امکانات و خصوصیات بود که در جوامع ابتدایی چندان امکان حصول نداشت مانند امنیت، وفور کالا، نظم و قانون، امکانات بهداشتی و آموزشی و غیره.

طی قرون طولانی هر متفکری که از مدینه فاضله، جامعه مدنی و نظایر اینها نام برده است ویژگی‌ها و مؤلفه‌های یک جامعه متمدن و مطلوب شهری را برشمرده است؛ ولی در قرون هفدهم و هیجدهم میلادی نوعی تفکیک ضمنی میان جامعه سیاسی و جامعه مدنی به وجود آمد که چنین دیدگاهی عمدتاً از سوی سه متفکر معروف غربی، یعنی توماس هابز^۲ (۱۶۷۹ - ۱۵۸۸) و جان لاک^۳ (۱۷۰۴ - ۱۶۳۲) متفکران و نویسندگان معروف انگلیسی و نیز ژان ژاک روسو^۴ (۱۷۷۸ - ۱۷۱۲) اندیشمند و نویسنده مشهور فرانسوی مطرح شده است.

در اکثر کتاب‌ها و مقالاتی که درباره جامعه مدنی نوشته شده است آراء و اندیشه‌های این سه فیلسوف غربی به عنوان شالوده جامعه مدنی مورد بحث و استناد قرار گرفته است هرچند در آثار آنها جامعه مدنی تفاوت روشنی با جامعه سیاسی ندارد. با این وجود تأکید آنها بر آزادی‌های فردی و اجتماعی و لزوم عدم دخالت دولت در زندگی اشخاص و بلکه ضرورت حمایت قانونی دولت از این آزادی‌ها، نوعی تفکیک ضمنی جامعه مدنی از جامعه سیاسی را می‌رساند (ر.ک: فصل هفتم: Asirvatham 2004).

از دیگر متفکران معروفی که در بحث جامعه مطلوب و جامعه مدنی به آراء و اندیشه‌های او بسیار استناد می‌شود شارل لویی دوسکوندا منتسکیو^۵ (فیلسوف و حقوقدان فرانسوی ۱۷۵۶ - ۱۶۸۹) است که نظریه تفکیک قوای او نه تنها شهرت جهانی دارد بلکه در اکثر جوامع امروزی ملاک عمل است.

-
- 1 . Saint Augustinus
 - 2 . Thomas Hobbes
 - 3 . John Locke
 - 4 . Jeon-Jacques Rousseau
 - 5 . Charles-Louis de Secondal Montesquieu

منتسکیو بر این نظر است که قانون باید با حکومت متناسب باشد و دموکراسی باید برابری مردم بویژه برابری اقتصادی آنها را برقرار و حفظ کند. او فاصله طبقاتی را اسباب نابودی دموکراسی می‌داند. البته لازم نیست توزیع برابر ثروت به صورت مطلق باشد؛ لکن باید حدود معینی طبق قانون مشخص شود. البته قانون هم ممکن است مردم را از آزادی محروم کند. بنابراین باید قانون درست، وضع شود که فقط حکومت میانه رو می‌تواند چنین قوانینی را وضع کند. فقط در حکومت میانه رو آزادی وجود دارد و در سایه آن شهروندان امنیت می‌یابند (عالم ۱۳۷۹: ۲۹۵-۳۲۴).

منتسکیو پیرو این برداشت سنتی است که می‌گوید کسانی که حاکمیت قانون را می‌پذیرند باید بتوانند به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر آن تأثیر بگذارند (لیدمان ۱۳۸۴: ۷۰).

در هر حال، تفکیک آشکار و واضح جامعه مدنی از دولت یا جامعه سیاسی، محصول قرون جدید است. در واقع از دورانی که بورژوازی در اروپا رونق گرفت و آزادی اقتصادی، هدف و شعار طبقه ثروتمند شهری و تجار و صاحبان صنایع شد عملاً قدرت سیاسی تحت تأثیر رشد این طبقه قرار گرفت و پشتوانه فکری و نظری آن نیز از سوی اقتصاددانان و اندیشمندان سیاسی، فراهم آمد. بنابراین، مفهوم جدید جامعه مدنی عمیقاً وابسته به آزادی اقتصاد و تجارت است.

برای اولین بار اقتصاددانان کلاسیک از جمله آدام فرگوسن^۱ (۱۸۱۶-۱۷۲۳)، اقتصاددان، مورخ و فیلسوف اسکاتلندی، آدام اسمیت (۱۷۹۰-۱۷۲۳)، فیلسوف و اقتصاددان اسکاتلندی، جرمی بنتام^۲ (۱۸۳۲-۱۷۴۸)، حقوقدان و فیلسوف انگلیسی و... که حامی لیبرالیسم بودند، به صورت واضح، میان جامعه مدنی و جامعه سیاسی تمایز و تفکیک قائل شدند.

یکی از معروف‌ترین چهره‌های اقتصاد کلاسیک، آدام فرگوسن، تاریخدان و فیلسوف اسکاتلندی است که دارای آثار متعددی است. معروف‌ترین اثر او رساله‌ای درباره «تاریخ جامعه مدنی» است که در آن سیر تکامل بشری را از جامعه ابتدایی تا جامعه سیاسی متمدنی پی می‌گیرد. در اندیشه او جامعه، منبع اخلاقیات و عمل انسان است (Britannica Library 2003). در دیدگاه فرگوسن، جامعه بر مبنای تولید اقتصادی، چهار مرحله تکاملی را طی کرده است: دوران صید و

1 . Adam Ferguson

2 . Jeremy Bentham

شکار، دوران دامداری، دوران کشاورزی و دوران تجاری. از نظر فرگوسن پیشرفته‌ترین دوره، دوران تجاری است که اوج تمدن جدید محسوب می‌گردد (Encarta Reference Library 2003).

فرگوسن، معتقد است که جامعه مدنی که با پیشرفت‌های اخلاقی و فرهنگی، تقسیم کار، حکومت قانون و سرزندگی عمومی همراه است ویژه جوامع مرفعی و پیشرفته است. از دیدگاه او جامعه مدنی، نقطه‌ی مقابل جامعه استبدادی و فئودالیسم است.

اندیشه‌ها و آموزه‌های فرگوسن و سایر اقتصاددانان کلاسیک منجر به تفکیک اقتصاد و سیاست، تنزل اهمیت سیاست و تفوق جامعه مدنی گردید. در دیدگاه آنان جامعه مدنی عرصه ارضای خواسته‌های خصوصی است و لذا در زندگی فردی و اجتماعی، اقتصاد در درجه اول قرار دارد و سیاست، اولویت خود را از دست می‌دهد (چاندوک ۱۳۷۷: ۹۱).

یکی دیگر از نظریه پردازان شاخص جامعه مدنی، آلکسی دو تو کویل^۱ (۱۸۰۵-۱۸۵۹)، حقوقدان، جامعه شناس، فیلسوف و سیاستمدار معروف فرانسه است. او معتقد بود انجمن‌های اجتماعی، افراد پراکنده و منزوی را گرد هم می‌آورند و در زندگی سیاسی و مدنی به آنها کمک می‌کنند و آنان را در حرکت به سوی هدف واحد که نفع همگان در آن است یاری می‌رسانند. از نظر او انجمن‌ها وسیله‌ی سازش منافع خصوصی و عمومی و نیز مانع اعمال قدرت غیر قانونی حکومت هستند. انجمن‌ها وسیله ارتباط مردم و نیز عامل دفاع از افراد در برابر قدرت حاکم می‌باشند. در واقع انجمن‌ها به عنوان نهاد واسطه میان افراد و دولت عمل می‌کنند.

از نظر دو تو کویل، جامعه دارای سه بخش است: دولت (مجالس نمایندگی، دادگاه‌ها، ادارات و نیروهای نظامی)، حوزه فعالیت‌های اقتصادی خصوصی و جامعه مدنی که بر هنر انجمن و گردهمایی مبتنی است (احزاب، افکار عمومی، کلیساها، جنبش‌های اخلاقی، مجامع ادبی و علمی و انجمن‌های حرفه‌ای و تفریحی). بنابراین، علاوه بر دولت و نظام اقتصادی، حوزه سومی در جامعه وجود دارد که همان جامعه مدنی است که مأمّن افراد محسوب می‌شود (چاندوک ۱۳۷۷: ۱۱۳-۱۰۹).

از دوران دو تو کویل و سایر متفکران اولیه لیبرالیسم تا کنون اندیشمندان و گروه‌های فکری متعددی درباره‌ی جامعه مدنی نظریه‌پردازی کرده‌اند از جمله هگل^۲ (فیلسوف آلمانی قرن نوزدهم)،

1 . Alexis Charles-Henri-Maurice Clerel de Tocqueville

2 . Georg whilhelm Friedrich Hegel

مارکس^۱ و مارکس گرایان مانند آنتونیو گرامشی^۲ (متفکر مارکسیست ایتالیایی نیمه اول قرن بیستم) هانا آرنه^۳ (اندیشمند آلمانی)، هابرماس^۴ (فیلسوف آلمانی) یا جامعه‌شناسان و اندیشمندان جدید جامعه مدنی مانند فرانسیس فوکویاما^۵، رابرت پوتنام^۶، دانیل بل^۷ و دیگران. طبیعی است با توجه به اینکه این فلاسفه و متفکران در دوران‌های متفاوت و با شرایط متفاوت و مختلف زندگی و فعالیت داشته‌اند، جمع بندی نظریات آنان غیرممکن است و دیدگاه‌های آنان نسبت به مقوله جامعه مدنی تفاوت بسیار دارد که مهم‌ترین این تفاوت‌ها تأکید بر ارزش‌های متفاوت است. با این وجود مشترکات فراوانی در دیدگاه‌های آنان وجود دارد که می‌توان آنها را مؤلفه‌های فرازمانی جامعه مطلوب یا جامعه مدنی دانست مانند حکومت قانون، عدالت، آزادی بیان و... که با توجه به تفسیر و توضیحی که درباره این گونه ویژگی‌ها در کلام متفکران سیاسی ملاحظه می‌شود، با هم مشابهت معنایی هم دارند.

در مجموع از منظر متفکران قدیم و جدید، جامعه مدنی، تضمین کننده بقا و تداوم مطلوبیت‌های جامعه از قبیل قانون و عدالت است. این است که نهایتاً جامعه مدنی به عنوان فضایی مستقل از دولت، خود یکی از مطلوبیت‌های جامعه مدنی به عنوان جامعه مطلوب شهری است و در کنار عناصری مانند دموکراسی، برابری، مشارکت سیاسی و غیره ارکان جامعه مطلوب را به وجود می‌آورد. اکثر تعاریف جامعه مدنی نیز متمرکز بر ویژگی‌ها و مؤلفه‌های چنین جامعه‌ای است. در واقع جامعه مدنی، مسیری است برای وصول به جامعه مطلوب (مولانا ۱۳۸۲: ۲۴) متفکران جدید هرگاه از جامعه مطلوب سخن گفته‌اند به ارزش‌های جامعه مدنی - به معنای اخص آن - نیز تأکید کرده‌اند و هرگاه درباره جامعه مدنی بحث کرده‌اند ارزش‌های جامعه مطلوب را نیز برشمرده‌اند.

به هر حال مقوله جامعه مدنی یکی از مباحث مطرح امروز جهان است و از دیدگاه تاریخ‌دانان، نظریه پردازان سیاسی، جامعه‌شناسان و اقتصاددانان مورد توجه بسیار است. خصوصاً بعد از شکست کمونیسم و فروپاشی اردوگاه شرق، اصول و مبانی جامعه مدنی برای توسعه

-
- 1 . Karl Heinrich Marx
 - 2 . Antonio Gramsci
 - 3 . Hannah Arendt
 - 4 . Jurgen Habermas
 - 5 . Yoshihiro Francis Fukuyama
 - 6 . Robert D. Putnam
 - 7 . Daniel Bell

اقتصادی و سیاسی و انسجام اجتماعی ضروری تشخیص داده شد و اندیشمندان و مفسران در اکثر نقاط عالم، موضوع جامعه مدنی را با دید عمیق تری مورد کنکاش قرار دادند (Becker 1994: I). ولی به علت دیدگاه‌های گوناگونی که درباره جامعه مدنی مطرح شده است و به علت تحولات سریع اجتماعی و مطرح شدن مسائل و مباحث جدید، تعریف جامع و مانعی از این اصطلاح کهن اندیشه سیاسی به عمل نیامده است. با وجود این درباره مؤلفه‌هایی که جامعه مدنی را می‌سازد اشتراک نظر زیادی میان اندیشمندان و کارشناسان موضوع ملاحظه می‌شود؛ مانند آزادی بیان، مشارکت سیاسی، دموکراسی، برابری و نظیر این مؤلفه‌ها، که از محورهای اصلی مباحث مربوط به جامعه مدنی است.

نهایتاً با بررسی دیدگاه‌های متفکران شاخص غربی خصوصاً منتسکیو از قرن هجدهم، توکویل از قرن نوزدهم و هابرماس از قرن بیستم (ر.ک: چاندوک ۱۳۷۷: ۲، ۱۶۷، ۲۱۴-۲۱۱؛ عالم ۱۳۷۹: ۳۱۵؛ هوتر ۱۳۷۹: ۱۶۶-۱۶۵) هشت مؤلفه مورد تأکید درباره جامعه مدنی به دست می‌آید. دو مؤلفه عدالت (برابری) و وحدت در نزد متفکران ایرانی و مسلمان نیز جایگاه رفیعی دارد که مجموعه این ارزش‌ها و مؤلفه‌ها را می‌توان به عنوان معنا و مفهوم جامعه مطلوب و جامعه مدنی تلقی کرد. بر این اساس، ده مؤلفه مهم چنین جامعه‌ای عبارتند از:

۱) مردم (شهروندان)؛ ۲) تشکیلات و نهادهای مردمی؛ ۳) تشکیلات و نهادهای دولتی؛ ۴) حاکمیت قانون؛ ۵) مشارکت سیاسی؛ ۶) پاسخگویی دولت؛ ۷) عمومی بودن سیاست؛ ۸) آزادی بیان؛ (آزادی انتقاد و مطبوعات)؛ ۹) وحدت اجتماعی؛ ۱۰) عدالت اجتماعی.

این مؤلفه‌ها که از سوی متخصصان و نظریه پردازان مباحث جامعه مطلوب و جامعه مدنی مطرح شده است یا درباره حاکم و حکومت است یا درباره شهروندان و نیز حقوق و حدود هر کدام از آنها؛ همچنین یا به ارزش‌های مثبت فردی و اجتماعی اشاره دارند و یا به ارزش‌های منفی فردی و اجتماعی؛ مثلاً دموکراسی یک ارزش مثبت اجتماعی تلقی می‌شود و در مقابل آن، استبداد یک ارزش منفی اجتماعی محسوب می‌گردد؛ مشارکت سیاسی یک ارزش فردی و اجتماعی مثبت است و اختصاصی بودن سیاست یک ارزش منفی فردی و اجتماعی.

سابقه مبحث جامعه مطلوب و جامعه مدنی در ایران

بحث جامعه مدنی در کشور ما سابقه چندانی ندارد هر چند درباره مؤلفه‌های جامعه مطلوب - مانند آزادی بیان، برابری، مشارکت سیاسی و غیره - از دوران انقلاب مشروطه تا کنون مباحث فراوانی

مطرح شده است. عنوان جامعه مدنی در دولت هفتم (اولین دوره دولت آقای خاتمی) به عنوان یک بحث اصلی و دستور جلسه و حتی به عنوان یک گفتمان در عرصه عمومی مطرح شد که تأثیرگذاری گسترده‌ای داشت و بعداً نیز با تفاوت‌های گفتمانی و عناوین دیگری مانند مردم سالاری و مردم سالاری دینی در عرصه سیاسی کشور ادامه یافت. به علت حمایت دولت وقت، اندیشمندان و استادان و نویسندگان فراوانی به این مبحث رو آوردند و ادبیات مفصلی در این باره به وجود آمد.

این ادبیات - هرچند مدت کوتاهی نمود پیدا کرد - شامل کتاب‌ها، مقالات، ترجمه کتاب‌ها و مقالات، مصاحبه‌ها، میز اندیشه‌ها و همایش‌هایی شد که مجموعه مفصلی را در عرصه سیاست و فضای عمومی کشور رقم زد. در این میان فقط یک کتاب، جامعه مدنی را به صورت مستقل از دیدگاه امام خمینی بررسی کرده است. البته اتکای کتاب مزبور، صرفاً پاره‌ای از سخنان امام خمینی است که آنها را در ارتباط با دیدگاه سایر اندیشمندان مورد بحث و بررسی قرار داده است (ر.ک: امام خمینی و جامعه مدنی).

البته در عرصه مقالات و گفتگوها و سخنرانی‌ها موارد متعددی از ارجاع به دیدگاه‌های امام، وجود دارد.

فشرده‌ای از مفاهیم کلی و مشابه ادبیات مزبور را می‌توان به شرح ذیل دسته بندی کرد:

۱. بیان مبانی و مفاهیم نظری - اکثر قریب به اتفاق متون تولید شده برای توضیح و تبیین مفهوم جامعه مطلوب و جامعه مدنی به اندیشه‌های متفکران غربی خصوصاً افلاطون، ارسطو، سن آکویناس، ژان ژاک روسو، توماس هابز، جان لاک، منتسکیو، تاکوئیل، هگل، جان رالز، هابر ماس، هانا آرنت و... اشاره کرده‌اند. همچنین در آثار داخلی، اندیشه‌های بعضی از متفکران شرقی نیز مورد استناد بوده است مانند فارابی، ابن خلدون، شیخ فضل الله نوری، نائینی، امام خمینی، شریعتی، سید محمد خاتمی و... .
۲. بعضی از آثار مزبور، جامعه مدنی را همان جامعه مطلوب دانسته‌اند و بعضی دیگر به عنوان یکی از مطلوبیت‌های جامعه پیشرفته قلمداد کرده‌اند و در هر حال در هیچ‌یک از آثار داخلی و خارجی مفهوم جامعه مدنی بی‌ارتباط با جامعه سیاسی، مطرح نشده است.
۳. در میان آثار داخلی (غیر ترجمه) سه دیدگاه متمایز ملاحظه می‌شود:

الف) دیدگاهی که معتقد است مفاهیم جامعه مدنی با مبانی انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی سازگار است و دیدگاه‌های ایشان، مؤلفه‌های جامعه مدنی را تأیید می‌کند.

ب) دیدگاهی که نسبت به مفهوم جامعه مدنی، منفی است و آن را یک اندیشه غربی می‌داند که هیچ تناسبی با اسلام و اندیشه‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ندارد.

ج) دیدگاهی که نسبت به مفهوم جامعه مدنی مثبت است ولی اندیشه‌های امام را فاقد تأیید چنین معنا و مفهومی بلکه مخالف با آن قلمداد می‌کند.

اکثر آثار داخلی مؤید دیدگاه الف است.

بعضی از آثار مزبور ° چه موافق و چه مخالف ° جامعه مدنی را به عنوان یک گفتمان، مطرح کرده‌اند (ر.ک. به: خاتمی ۱۳۸۰؛ براتعلی پور ۱۳۸۱؛ ۱۳۷۶؛ گرامشی ۱۳۸۳؛ مولانا ۱۳۸۲؛ چاندوک ۱۳۷۷).

گفتمان و تحلیل گفتمان

گفتمان، سخن یا گفتار، در برابر واژه انگلیسی (discourse) آمده است. این کلمه در انگلیسی به معنای یک خطابه جدی یا نوشته‌ای درباره موضوعی ویژه یا مکالمه‌ای جدی یا زبان خطابه و نوشته است (Longman Dictionary).

از دیدگاه دانش ارتباطات، گفتمان به معنی شکل، حالت یا نوع زبان در کاربرد آن است. هر فردی برای خود امکان استفاده از گفتمان‌ها یا زبان‌های متعددی را دارد؛ به عنوان مثال، زبان محبت، زبان قدرت، زبان ورزش و غیره.

گفتمان در شرایط اجتماعی (بافت موقعیتی) به صورت گفتاری یا نوشتاری با اهدافی خاص، تولید می‌شود؛ یعنی گفتمان، نوعی کنش اجتماعی است که به منظور تأثیرگذاری در شرایط موجود، بروز و ظهور می‌یابد.

گفتمان، قرابت زیادی با ایدئولوژی دارد و در واقع بیانگر اعتقادات یا دیدگاه‌های خالق متن نسبت به مسائل و موضوعات مختلف در شرایط تولید متن است. گفتمان گاه به شکل یا نوع (طرز کاربرد) زبان، اطلاق می‌گردد که گروه اجتماعی خاصی آن را به کار می‌برد؛ مانند گفتمان روحانیون یا گفتمان دانشگاهیان. گفتمان گاه به موضوعات یا مفاهیم سخن برمی‌گردد؛ مانند گفتمان آزادی یا گفتمان مردم سالاری و گاه به فنون زبانی اشاره دارد؛ مانند گفتمان ادبی، گفتمان شاعرانه و نظایر اینها.

تحلیل گفتمان در واقع به تحلیل تعامل اجتماعی می‌پردازد. در تعامل اجتماعی، نقش طرفین تعامل، الزامات، توقعات و اهداف آنان در یک موقعیت خاص اجتماعی، فرایند تعامل یا فرایند گفتمان را رقم می‌زند (Cynthia 2000:53). هر گفتمانی در شرایط اجتماعی معین ارائه می‌گردد؛ بنابراین ممکن است طی ارائه آن، مسائلی برجسته شود، مسائلی عمده‌اً کوچک شمرده شود یا اصلاً مغفول ماند، مسائلی مبهم نماید و مسائلی پنهان گردد.

چگونه می‌توان به این پیچیدگی‌ها راه یافت؟ اساس درک متن گفتمان در چه نهفته است؟ پاسخ آن است که هر گفتمانی در زمینه و حال و هوا یا شرایط اجتماعی خاصی ارائه می‌شود و همراه متون گفتمانی دیگری است. این همراهی کلید درک گفتمان است. عمومی‌ترین سطح زمینه‌ای یا در واقع فحوای کلام، فرهنگ است. مردم در جامعه خود، جهان و موقعیت خود را چگونه می‌بینند و ارزیابی می‌کنند؟ این دیدگاه را که در دایره فرهنگ و باورهای اشخاص و جایگاه و موقعیت اجتماعی آنان شکل می‌گیرد، می‌توان از طریق گفتمان‌هایی که می‌سازند، به دست آورد. متأسفانه درباره ارتباط و مناسبات زبان و فرهنگ چندان تحقیق نشده است؛ ولی به هر حال می‌توان نوع گفتمان و موضوعات آن را عوامل اصلی انتخاب زبان گفتمان دانست. نهایتاً می‌توان از طریق تحلیل گفتمان، ساختار قدرت و اهداف همراه آن را بهتر درک کرد (Chimbo & Robert:5, 102).

در هر صورت آنچه در تحلیل گفتمان اهمیت دارد استخراج دیدگاه‌های پیدای پنهان و آشکارسازی زوایای مغفول گفته یا ناگفته خالق متن است. در واقع، تحلیل گفتمان یک روش کیفی تفسیری برای درک بهتر متون و دستیابی به معنای عمیق‌تر متن، نیت خالق متن یا دریافت امکانات معنایی آن است. طبعاً دانش زمینه‌ای محقق در این روند (چه در مرحله نمونه‌گیری، چه در مرحله تفسیر و تحلیل و چه در نتیجه‌گیری نهایی)، نقش مهمی ایفا می‌کند و ممکن است محقق دیگری به نحو دیگری و به نتایج دیگری برسد؛ لکن در هر حال روند تحقیق امری سلیقه‌ای نیست، بلکه مستند به نظر متخصصان و محققان و متکی به روشی علمی است که صحت آن به اثبات رسیده است.

روش تحلیل گفتمان با ترکیب شرایط اجتماعی، تاریخی و فرهنگی و نیز شرایط ارائه کلام و شرایط زبانی کلام (بافت برون زبانی و بافت درون زبانی)، روند تولید متن و کاربرد اجتماعی آن

به عنوان یک عمل اجتماعی و سیاسی، متن و خالق آن را در پهنه بسیار وسیعی می‌شناسد و می‌شناساند.

الگوی تحلیل گفتمان

در این پژوهش، الگوی تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف^۱، محقق و تحلیلگر انگلیسی، مبنای بررسی است.

فرکلاف، گفتمان را در سه سطح مورد بررسی قرار می‌دهد:

۱. سطح توصیفی، که در آن به نوع (ژانر) گفتمان و خصوصیات واژگانی و دستوری و به‌طور کلی چارچوب زبانی گفتمان توجه می‌شود.
 ۲. سطح تفسیری، که در آن به رابطه میان متن و تعامل می‌پردازند. تفسیرها ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است و مقصود، دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد. در واقع، متن جزئی از یک گفتمان محسوب می‌شود و در تعامل تولید و درک معنا میان مولد متن و مخاطب که هر دو دارای ذخایر و منابع ذهنی از شرایط و گفتمان‌های محیط هستند، معنا، درک و تفسیر می‌شود.
 ۳. سطح تبیینی، که در آن شالوده اجتماعی و تغییرات دانش زمینه‌ای و البته بازتولید آن در جریان کنش گفتمانی مطرح است. در مرحله تبیین، گفتمان به عنوان یک کنش اجتماعی بررسی می‌شود و در واقع تعیین گفتمان توسط ساختارهای اجتماعی که مبتنی بر مناسبات قدرت است، روشن می‌گردد.
- در این تحقیق، جایگاه مؤلفه‌های جامعه مدنی در کلام امام خمینی، بررسی می‌شود تا مشخص گردد که در هر دوره، هدف‌گیری یا گرایش گفتمان امام چگونه است یا به عبارت دیگر مردم، نخبگان و جامعه مدنی به معنای خاص آن با قدرت حاکم در چه مناسباتی قرار می‌گیرند و محور گفتمان امام خمینی، جامعه مدار و مردم سالار است یا دولت مدار و حکومت سالار؛ زیرا تمامی عناصر و مؤلفه‌های جامعه مدنی در اندیشه‌های غربی و شرقی، اساساً مردم مدار است و تمامی این مؤلفه‌ها از قبیل قانون مداری، مسئولیت و پاسخگویی قدرت حاکم یا دولت و شفافیت عملکرد

1 . Norman Fairclough

آن، عدالت، آزادی بیان و انتقاد و... همه در جهت خیر مردم و جامعه است؛ حتی دولت و قدرت حاکم هم جزئی از این خیر محسوب می‌شود. خلاصه، مالک الرقاب جامعه، مردم هستند و اگر به لحاظ ضرورت زندگی جمعی، باید در عرصه‌های مختلف تابع قانون و نظم باشند و محدودیت‌هایی را بپذیرند این محدودیت‌ها علی‌الاصول با اراده و خواست خودشان و بنا به ضرورت‌هاست. این است که قانون و نظم و محدودیت اجتماعی را نیز خود مردم به صورت مستقیم یا از طریق نمایندگان خود وضع می‌کنند. برای تشخیص این مطلب در گفتمان امام خمینی، گزاره‌های کلام ایشان - بر اساس فرمی که در کتاب *راه دراز سمار* (فرقانی ۱۳۸۲: ۱۷۲) بر مبنای مدل تحلیل گفتمان فرکلاف، جهت استخراج اطلاعات متن، تهیه شده است - به صورت ذیل دسته بندی شده و به عنوان معیار سنجش، مورد تحلیل قرار گرفته است.

واژگان (سفید و سیاه یا مثبت و منفی)، یعنی کدام کلمات یا اصطلاحات در متن مورد نظر جنبه مثبت دارد و کدام جنبه منفی (واژگان ارزشی).

افراد و نهادهای مطرح شده، یعنی همانند واژگان، کدام فرد یا شخص یا نهاد، چهره مثبت دارد و کدام منفی.

توصیف یا قطب بندی، به این معنا که خود (من یا ما) چگونه توصیف شده است و غیر خود یا دیگران چگونه.

استناد یا ذکر شاهد، به این معنا که برای تأیید کلام به کدام فرد یا شخص یا مدارک و تجربه و غیر آن استناد شده است.

دلالت‌های ضمنی (پیش فرض‌ها، تلقین و تداعی)، به معنای اینکه متن برای ارتباط میان مسائل و مقولات و درک موضوع بر چه مفروضاتی متکی است، چه آموزه‌های فکری و عملی را القا می‌کند و چه مطالبی را تداعی می‌نماید.

روش، یعنی خالق متن برای وصول به هدف، چه راهکارهایی را به صورت آشکار یا ضمنی، توصیه می‌کند.

بیان، یعنی ابزارهای بیان مطلب بر چه اساسی است: نامگذاری، کلی بافی، تهدید، تحذیر، آگاهی بخشی، استدلال و...

مفاهیم جامعه مدنی یا مؤلفه‌های آن در کلام و تلقی و استنباط گوینده از آن، یعنی متن به کدامیک از مؤلفه‌های جامعه مدنی تأکید دارد و چه استنباطی از آن می‌نماید.

گزاره‌های اساسی متن کدام است؛ یعنی مخلص کلام گوینده چیست و چه می‌خواهد بگوید یا اینکه جان کلام او کدام است.

مقوله‌های اجماع و توافق در متن کدام است؛ یعنی چه مواردی مورد استناد قرار گرفته که تمامی طرف‌های درگیر نسبت به آن توافق ظاهری یا واقعی دارند. البته این ردیف ممکن است در ردیف‌های دیگری مانند ذکر شواهد نیز قرار گیرد.

منبع مشروعیت، به این معنی که برای گوینده، جایگاه او و کلام او چه چیزی از دیدگاه وی مشروعیت‌آفرین است.

قابل ذکر است که روش فرکلاف در تحلیل گفتمان، یک روش اجرایی است که مورد توجه و استقبال محققان و استادان ایرانی، قرار گرفته است که در موضوعات مشابه، جوابگو بودن و صحت آن به اثبات رسیده است.

شدت حضور معنا در متن

در تحقیق حاضر چون مسأله جایگاه یا رتبه‌بندی مؤلفه‌های جامعه مدنی نیز مطرح بود از روش تحقیق و تحلیل کیفی عمدتاً از کتاب اصول روش تحقیق کیفی نیز استفاده شده است (استراس و کورین ۱۳۸۵). یعنی طی یک جدول دو بعدی بررسی شده که از هر مؤلفه به صورت سطح بالا دفاع شده یا سطح پایین و هر مؤلفه به صورت بلاشروط و قید مطرح گردیده یا تعریف و تحدید و شرایطی برای آن ذکر شده است.

بررسی دفاع سطح بالا یا دفاع سطح پایین و تحدید یا عدم تحدید هر یک از مؤلفه‌های جامعه مدنی در کلام امام بر اساس جدولی است که به همین منظور تهیه شده:

نام مؤلفه	نوع دفاع	شرط (تحدید)
	بالا	ندارد
	پایین	دارد

بر اساس این جدول چهار رتبه بندی برای مؤلفه‌های جامعه مدنی مشخص می‌شود از قرار ذیل:

الف) مؤلفه یا مؤلفه‌هایی که دارای دفاع بالا بوده و هیچگونه قید و شرط یا تعریف و تحدیدی

ندارند.

ب) مؤلفه یا مؤلفه‌هایی که داری دفاع بالا بوده ولی قید و شرط یا تعریف و تحدید دارند.
 ج) مؤلفه یا مؤلفه‌هایی که دارای دفاع پایین هستند ولی قید و شرطی ندارند.
 د) مؤلفه یا مؤلفه‌هایی که دارای دفاع پایین هستند و قید و شرط یا تعریف و تحدید دارند.
 برای تعیین اینکه از یک مؤلفه به صورت سطح بالا دفاع شده یا خیر به مختصات آن مؤلفه مراجعه می‌کنیم به این قرار:

۱. استمرار: مؤلفه وقتی استمرار دارد که در تمام یا اکثریت نمونه‌های هر مقطع، حضور داشته باشد که در این صورت برای آن یک نمره (۱) منظور می‌شود.
۲. دامنه: مؤلفه وقتی دارای دامنه است که در یک نمونه خاص، حجم مناسبی را به خود اختصاص دهد که حداقل آن بیش از یک دهم متن است که در این صورت برای آن یک نمره (۱) منظور می‌شود. علت تعیین یک دهم متن به عنوان شاخص، آن است که مؤلفه‌های منتخب این تحقیق، ده مورد است. گو اینکه مؤلفه‌های مورد تأکید امام (عناصر یا ارزش‌هایی که دارای دفاع سطح بالاست) در اکثر قریب به اتفاق نمونه‌های منتخب، بیشتر از یک دهم حجم متن را به خود اختصاص می‌دهد.
۳. شدت: مؤلفه وقتی دارای شدت است که از آن با صفات احساسی و قوی یا قیود اکید دفاع شده باشد که در این صورت یک نمره (۱) برای آن منظور می‌شود.
 هر مؤلفه‌ای که در مقطع مورد بررسی حداقل دارای دو نمره (۲) باشد آن مؤلفه دارای دفاع سطح بالا محسوب می‌گردد.

جامعه آماری این تحقیق، تمامی سخنان قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی امام^۹ غیر از کتاب‌های ایشان - است که در صحیفه امام منتشر شده است. همچنین در این بررسی جمعاً بیست و دو نمونه به صورت نمونه‌گیری هدفمند از میان سخنان امام خمینی (سخنرانی، پیام، نامه، مصاحبه) انتخاب شده است (نه نمونه از دوره قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و سیزده نمونه از دوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی).

توضیح اینکه در نمونه‌گیری هدفمند که یکی از روش‌های آماری تحقیق است، محقق ضمن بررسی و مطالعه تمامی متون جامعه آماری به صورت کتابخانه‌ای، نمونه‌هایی را که به نظر وی در بردارنده مفاهیم موضوع تحقیق است به عنوان نمونه معرف برای تحلیل انتخاب می‌کند. ممکن است بعضی از مفاهیم فقط در یک یا دو نمونه وجود داشته باشد و بعضی در نمونه‌های متعدد که

در هر صورت مجموعه‌ای از آنها برای بررسی، انتخاب می‌شود. شایان ذکر است که از دوران جنگ تحمیلی هیچ نمونه‌ای انتخاب نشده است؛ زیرا کشور در بیش از دو هزار کیلومتر از مرزهای خود و بسیاری از مناطق داخلی، درگیر جنگی همه جانبه بود و روشن است که چنین شرایطی در بافت موقعیتی تأثیر قطعی دارد. هرچند که در میان پیام‌های متعدد امام در این دوران به ارزش‌های گوناگون جامعه مطلوب و جامعه مدنی اشاره شده است؛ ولی نمی‌توان از میان آنها «نمونه معرف» انتخاب کرد. حال آنکه بعد از پیروزی انقلاب تا شروع جنگ تحمیلی - با وجود توطئه‌های گوناگون - لزوم تأسیس و تثبیت هرچه سریع‌تر نهادهای نظام جدید و توضیح و تشریح جوانب مختلف حکومت آتی، امام خمینی را بر آن داشت تا درباره موضوع، سخنان بسیاری را مطرح کند. همچنین بعد از پایان جنگ و عادی شدن نسبی شرایط در مدت کوتاه باقیمانده از حیات امام، سخنان مهمی از ایشان به یادگار مانده است که می‌توان آنها را اوج اندیشه سیاسی ایشان دانست. از این دو مقطع نیز نمونه‌هایی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نمونه‌های منتخب این تحقیق که همگی از *صحیفه امام* انتخاب شده از قرار ذیل است. در برابر هر نمونه، شماره جلد و صفحه *صحیفه امام* مشخص شده است.

الف) نمونه‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی:

- ۱) تلگراف به شاه / ۱۵ آبان‌ماه ۱۳۴۱ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۸۹-۸۸).
- ۲) سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم / ۲۶ فروردین ماه ۱۳۴۳ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۳۰۸-۲۸۵).
- ۳) نامه سرگشاده به هویدا (نخست وزیر وقت) / ۲۶ فروردین ماه ۱۳۴۶ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲: ۱۲۷-۱۲۳).
- ۴) پیام به ملت ایران / ۱۵ شهریورماه ۱۳۵۷ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۴۵۷-۴۵۴).
- ۵) سخنرانی در جمع دانشجویان و ایرانیان مقیم خارج / اول دیماه ۱۳۵۷ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۲۶۵-۲۵۹).
- ۶) مصاحبه با کرکروف / ۷ دیماه ۱۳۵۷ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۲۹۹-۲۹۱).
- ۷) مصاحبه با خبرنگار روزنامه اکونومیست / ۱۸ دیماه ۱۳۵۷ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۳۸۶-۳۸۲).
- ۸) پیام به ارتش / ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۲۰).
- ۹) حکم تشکیل دولت موقت / ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۵۵-۵۴).

ب) نمونه‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی:

- ۱) سخنرانی در جمع دانشجویان دانشکده ادبیات و فرهنگیان اهواز / ۲ خرداد ۱۳۵۸ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۴۶۵-۴۵۴).
 - ۲) سخنرانی در حضور بانوان شاغل در مؤسسه کیهان / ۸ خرداد ۱۳۵۸ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۵۳۸-۵۳۵).
 - ۳) سخنرانی در جمع روحانیون، پرسنل سپاه پاسداران، اهالی کرج / ۸ خرداد ۱۳۵۸ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۱-۷).
 - ۴) سخنرانی در جمع پرسنل نیروی هوایی / ۲۵ خرداد ۱۳۵۸ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۱۷۸-۱۶۹).
 - ۵) سخنرانی در جمع پاسداران و روحانیون تربت حیدریه / ۱۳ تیرماه ۱۳۵۸ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۴۲۳-۴۱۸).
 - ۶) سخنرانی در جمع مسئولان و کارکنان مجله خواندنی‌ها / ۱۶ تیرماه ۱۳۵۸ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۴۹۹-۴۹۴).
 - ۷) سخنرانی در جمع انجمن اسلامی نیروی هوایی / ۱۰ شهریورماه ۱۳۵۸ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۳۸۰-۳۷۵).
 - ۸) سخنرانی در جمع مسئولان و فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / ۲۶ آذرماه ۱۳۵۸ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۳۱۹-۳۱۲).
 - ۹) بیانات خطاب به حامد الگار / ۷ دیماه ۱۳۵۸ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۴۶۶-۴۴۸).
 - ۱۰) سخنرانی در جمع روحانیون ارومیه / ۱۰ دیماه ۱۳۵۸ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۵۰۵-۴۹۶).
 - ۱۱) پاسخ نامه جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی / ۷ آذرماه ۱۳۶۷ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۰۳).
 - ۱۲) نامه خطاب به محمد علی انصاری (منشور برادری) / ۱۰ آبانماه ۱۳۶۷ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۱۸۰-۱۷۶).
 - ۱۳) نامه خطاب به علی مشکینی، رئیس مجلس خبرگان / ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۸ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۳۷۱).
- مجموع نمونه‌ها و فرم تحلیل آنها بیشتر از ۳۰۰ صفحه (قطع وزیری شده است (ر. ک: مروی ۱۳۸۹) که نتایج نهایی آن در پی می‌آید.

نتایج تحقیق

در درجه اول، بررسی‌های ما نشان می‌دهد که امام خمینی بدون نام بردن از جامعه مطلوب یا جامعه مدنی، مؤلفه‌های چنین جامعه‌ای را بیان و تبیین کرده است. گفتمان امام خمینی را می‌توان گفتمان اسلام ناب محمدی^(ص) دانست که خود ایشان در سخنانشان چنین اصطلاحی را در برابر برداشت‌های انحرافی از اسلام به کار برده‌اند. در این گفتمان، دیدگاه‌های جدید در ترکیبی نو، جذب و باز تعریف می‌شود. نکته محوری گفتمان امام نیز در همین نکته نهفته است. گفتمان امام نسبت به مظاهر تمدن، بسته نیست. گفتمان امام نسبت به مدرنیسم، نه صورت نفی و مقابله دارد و نه صورت تسلیم و پذیرش محض بلکه به صورت فعال با چنین مظاهری دارای کنش متقابل است. این گفتمان، مظاهر تمدن را در چارچوب اصول خود می‌پذیرد. مظاهر تمدن از دیدگاه امام هم شامل مظاهر مادی تمدن است مانند وسایل نقلیه جدید یا لوازم ارتباطی جدید و غیره و هم شامل اندیشه‌ها و نظامات جدید است مانند دموکراسی، جامعه مدنی، حقوق زنان، حفظ محیط زیست، ورزش و تفریحات جدید، هنرهای گوناگون و ...

مهم‌ترین محور گفتمانی امام آن است که چگونگی جذب و استفاده و تعریف و موضعگیری نسبت به اینگونه مقولات را برای همیشه باز نگه می‌دارد؛ یعنی ممکن است با توجه به زمان و مکان و اوضاع و احوال جامعه و جهان، تمامی تعاریف از مقولات نو و تمامی موضعگیری‌ها نسبت به آنها دستخوش تغییر و تحول شود. این است که گفتمان امام در حد بسیار بالایی انعطاف‌پذیری دارد. سیر گفتمانی امام در مقاطع مورد بحث حاکی از تحول این گفتمان به سمت و سوی انعطاف‌پذیری بیشتر است.

ارزش‌های جامعه مدنی یا مؤلفه‌های جامعه مطلوب در گفتمان امام حالت باز و انبساطی دارد و مرز و محدودیتی به غیر از شریعت برای آنها وضع نشده است. از طرف دیگر، درک امام از شریعت، درکی نو و جهان‌شمول است. از منظر ایشان، اسلام پاسخگوی هر مسأله و هر نیازی است. مسأله مهم آن است که این پاسخگویی در ارتباط تنگاتنگ با زمان و مکان، امری تحول‌پذیر است. کلام امام در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شامل تمامی ارزش‌های جامعه مدنی می‌گردد الا اینکه به علت بافت موقعیتی، تأکید بر بعضی مقولات اهمیت بیشتری یافته است. بنابراین می‌توان گفت تغییرات نوع مؤلفه‌های جامعه مدنی (حاکم و حکومت و وظایف و

اختیارات آن، اختیارات و وظایف مردم، ارزش‌های مثبت و ارزش‌های منفی اجتماعی) در دوران قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به غیر از یک مورد، تغییرات معنا داری را نشان نمی‌دهد.

جدول ارزش‌های جامعه مدنی در کلام امام خمینی (قبل از پیروزی انقلاب اسلامی):

ارزش‌های منفی فردی و اجتماعی	ارزش‌های مثبت فردی و اجتماعی	وظایف و اختیارات مردم	وظایف و اختیارات حکومت	شکل و نوع حکومت پیشنهادی و مطلوب
ظلم و ارباب، وابستگی، فساد و نادرستی (اخلاقی اقتصادی، اجتماعی)، تملق و چاپلوسی، فرد پرستی، بی سامانی، دروغ و فریب، سستی و بی‌عاری، جهالت، تفرقه، فقر و محرومیت	ایمان و اعتقاد، عدالت و ظلم ستیزی، صداقت، ساده زیستی، خود باوری، کار و تلاش، حفظ وحدت، عزت و شرف، خدمت به مردم خصوصاً محرومین، فرهنگ، علم، تعلیم و تربیت، تمدن و ترقی	اطاعت از قانون، حمایت از حکومت اسلامی، آزادی (بیان و انتقاد، انتخابات، فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی)، حفظ وحدت، مشارکت سیاسی، انتخاب حاکم و مسئولین واجد صلاحیت، نظارت علما بر حکومت	برقراری و حفظ قانون و مقررات اسلامی، استقلال کشور، عدالت، آزادی (خصوصاً آزادی بیان و انتقاد، انتخابات، آزادی امنیت، خدمت و تواضع نسبت به مردم، حقوق اقشار مختلف مردم، مسئولیت و پاسخگویی، صداقت، تعلیم و تربیت، ارشاد و هدایت، رسیدگی به محرومین	جمهوری اسلامی (با رهبری فقیه عادل آگاه ظلم ستیز)

جدول ارزش‌های جامعه مدنی در کلام امام خمینی (بعد از پیروزی انقلاب اسلامی):

شکل و نوع حکومت و پیشنهادی و مطلوب	وظایف و اختیارات حکومت	وظایف و اختیارات مردم	ارزش‌های مثبت فردی و اجتماعی	ارزش‌های منفی فردی و اجتماعی
جمهوری اسلامی (با رهبری فقیه عادل آگاه ظلم ستیز)	اجرای قانون و مقررات جمهوری اسلامی، حفظ استقلال کشور، عدالت و پرهیز از تعدی، انتخابات آزاد، امنیت، خدمت به مردم خصوصاً محرومین، مسئولیت و پاسخگویی، تعلیم و تربیت، پیشرفت و ترقی کشور، اصلاح خود و اصلاح بازار، تهذیب نفس مسئولین	اطاعت از قانون، حمایت از حکومت اسلامی، نظارت جمعی و مستمر بر مسئولین، تهذیب نفس، آزادی (بیان و انتقاد، انتخابات، فعالیتهای سیاسی و اجتماعی)، حضور در عرصه انتخابات، حفظ وحدت، کار و تلاش	ایمان و اعتقاد، عدالت و ظلم ستیزی، نظارت جمعی و مستمر بر مسئولین، ساده زیستی، خود باوری، کار و تلاش، حفظ وحدت، خدمت به مردم خصوصاً محرومین، فرهنگ، علم، تعلیم و تربیت، تمدن و پیشرفت	ظلم و تعدی، بی قانونی و خود سری، فساد و نادرستی (اخلاقی اقتصادی، اجتماعی)، خود باختگی، فرهنگی، فقر و محرومیت، اسلام آمریکایی

با توجه به دو جدول مزبور، موردی که تغییر آن معنادار است ویژگی یا مؤلفه «نظارت مستمر مردم بر مسئولین» است که در جدول ارزش‌های جامعه مدنی در قبل از پیروزی انقلاب، جایگاهی ندارد. البته ایشان در بعضی از سخنرانی‌های خود بر لزوم نظارت علما بر حکومت تأکید کرده‌اند ولی در جدول بعد از پیروزی چنین مقوله‌ای وجود ندارد. می‌توان استدلال کرد که این ارزش خود به خود در مؤلفه ولایت فقیه، مندرج است. به هر حال عنصر نظارت مستمر مردم بر مسئولین

هم در شمار وظایف مردم و هم در شمار ارزش‌های مثبت جامعه مدنی در جدول بعد از پیروزی است که نوعی تحول گفتمانی محسوب می‌شود.

اما جدول رتبه‌بندی ارزش‌های جامعه مدنی در گفتمان امام، تغییرات معنادار بیشتری را نشان می‌دهد که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد. البته در این جدول نیز تغییر بعضی از مؤلفه‌ها مربوط به بافت موقعیتی یا نمونه منتخب است. مثلاً در جدول بعد از پیروزی مواردی مانند خودباوری و اتکای به خویش یا تهذیب نفس آمده که در جدول قبل از پیروزی وجود ندارد اما نمی‌توان چنین مواردی را تغییر یا تحول گفتمانی دانست؛ زیرا چنین عناصری در گفتار امام همیشه بوده است لکن نیاز روز، تأکید بر بعضی از آنها را ضروری ساخته است. مثلاً بعد از پیروزی انقلاب لازم بود که مردم ایران با خود باوری و اتکای به خویش، کشور خود را اداره کنند و لذا امام بر این ویژگی تأکید فراوان داشته است. اما بعضی از عناصر یا چگونگی رتبه‌بندی آنها قبلاً در کلام امام سابقه مشخصی ندارد و می‌توان آنها را تغییر گفتمانی یا به عبارت بهتر تحول گفتمانی نامید.

جدول رتبه‌بندی مؤلفه‌ها یا ارزش‌های جامعه مطلوب و جامعه مدنی در قبل از پیروزی انقلاب

اسلامی از قرار ذیل است:

الف	قانون و مقررات اسلام، خواست ملت (مردم)، رهبری فقیه عادل، استقلال، نهادهای نمایندگی (دولتی)، مسئولیت و پاسخگویی دولت، عدالت (خصوصاً عدالت اقتصادی)، خدمت و تواضع نسبت به مردم، انتخابات آزاد، وحدت مشارکت سیاسی (عمومی بودن سیاست)، صداقت، پیشرفت و ترقی، تعلیم و تربیت اسلامی، تمدن و تجدد، عزت و سربلندی، رسیدگی به محرومین، حفظ منافع و منابع کشور، مبارزه با انحرافات شخصی و اجتماعی.
ب	آزادی (خصوصاً آزادی بیان و انتقاد از حکومت)، آزادی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، مطبوعات آزاد، اصلاحات، حقوق زنان
ج	حقوق اقلیت‌های رسمی
د	احزاب و گروه‌های سیاسی

جدول رتبه‌بندی مؤلفه‌ها یا ارزش‌های یادشده در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از قرار ذیل

است:

الف	خواست ملت مسلمان، قانون، ولایت فقیه، عدالت، استقلال (خصوصاً استقلال فرهنگی)، هویت اسلامی، خود باوری و اتکای به خویش، تهذیب نفس، مسئولیت و پاسخگویی دولت، نظارت جمعی و مستمر مردم بر مسئولین، وحدت، مشارکت سیاسی (عمومی بودن سیاست)، پیشرفت و ترقی، تعلیم و تربیت اسلامی، خدمت به مردم بویژه محرومین، جلوگیری از فساد.
ب	آزادی (خصوصاً آزادی بیان و انتقاد از حکومت)، ولی فقیه، نهادهای نمایندگی (دولتی)، آزادی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، مطبوعات آزاد، حقوق زنان، اصلاحات (اصلاح دولت، اصلاح بازار)، رقابت سیاسی سالم.
ج	حقوق اقلیت‌های رسمی.
د	احزاب و گروه‌های سیاسی، دموکراسی، نهادهای مدنی (غیر سیاسی).

با توجه به دو جدول مزبور (دو جدول ارزشی) می‌توان گفت:

- در ردیف اول جدول قبل از پیروزی «نظارت جمعی و مستمر مردم بر مسئولین» نیامده است ولی در جدول بعد از پیروزی این مؤلفه در رتبه اول گفتمانی قرار دارد. بلاشک این مؤلفه، حوزه قدرت مردمی را گسترده‌تر می‌کند و حوزه اختیارات حکومت و دولت را محدودتر. یعنی سیر گفتمانی امام به سوی محدودیت قدرت دولت و گسترش قدرت مردم، تحول یافته است. از نگرانی‌های مهم امام که در گفتمان ایشان محرز است یأس و دلسردی مردم از انقلاب است که مسئولیت آن، هم به مسئولین کشور برمی‌گردد و هم به مردم. این است که نظارت همگانی مردم بر مسئولین کشور که به عنوان وظیفه بر آن تأکید می‌شود، می‌تواند جلوی چنین وضعیتی را - که در گفتمان امام از عوامل شکست انقلاب است - بگیرد.
- خواست مردم یا ملت در جدول قبل از پیروزی در رتبه اول قرار دارد که در جدول بعد از پیروزی نیز چنین است با این تفاوت که صفت «مسلمان» به آن اضافه شده است. یعنی در اکثر موارد امام بر خواست ملت مسلمان، تأکید کرده‌اند. کاربرد این گونه صفات حاکی از تأکید بر هویت است. هویت بخشی یا کشف هویت مردمی در گفتمان امام، محور و اساس انقلاب اسلامی است. امام خمینی در تمام طول عمر تلاش کرد با شناساندن هویت واقعی مردم به آنان، موقعیت و

جایگاه آنان را در برابر حکومت شاهنشاهی و در نظام جهانی مشخص و خط سیر تلاش آنان را ترسیم نماید. بدون شناخت خویش و یافتن هویت خویش هیچ جامعه‌ای انقلاب نکرده است. این معنایی است که در آثار متفکران داخلی و خارجی همانند سید جمال، شریعتی، گاندی، و... ملاحظه می‌شود (ر.ک: حسینی اسدآبادی ۱۳۷۹؛ شریعتی ۱۳۵۷؛ گاندی ۱۳۷۶).

۳. در جدول قبل از پیروزی بر ولایت فقیه تأکید شده لکن در جدول بعد از پیروزی نوعی تفکیک در این مقوله مشهود است؛ یعنی ولایت فقیه از ولی فقیه جداست و تطبیق کامل با هم ندارند. امام از ولایت فقیه به صورت مطلق و بلاشرط دفاع می‌کند؛ اما ولی فقیه یعنی فردی را که منصوب به این مقام است با شرط و محدودیت مورد حمایت قرار می‌دهد. این موضوع در گفتمان امام خمینی بسیار اساسی و مهم است. علاوه بر نمونه‌های منتخب این تحقیق، امام در سخنان متعدد دیگری، ولایت فقیه را از عملکرد ولی فقیه که در آن زمان خودش چنین مسئولیتی را به عهده داشت تفکیک کرده است. گفتمان امام صراحت دارد که اعتقاد به ولایت فقیه منافاتی با انتقاد از عملکرد ولی فقیه ندارد. ایشان در حالی که ولایت فقیه را هدیه‌ای الهی می‌داند، معتقد است:

هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع کننده بدهد و در غیر این صورت، اگر بر خلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد - خود به خود - از مقام زمامداری معزول است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۴۰۹).
اگر من پایم را کج گذاشتم، شما مسئولید اگر نگویید چرا پایت را کج گذاشتی؟ باید هجوم کنید، نهی کنید که چرا؟ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۴۸۷).
خدا می‌داند که شخصاً برای خود ذره‌ای مصونیت و حق و امتیاز قائل نیستم.
اگر تخلفی از من هم سرزنند، مهبای مؤاخذه‌ام (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۲۸۲).

بنابراین مسلم است که در گفتمان امام خمینی، ولایت فقیه، امری الهی و خدشه ناپذیر است ولی فردی که متصدی چنین مقامی است (ولی فقیه) فردی است مسئول و پاسخگو، قابل انتقاد و قابل استیضاح و نیز قابل عزل.

۴. مقوله استقلال، تبدیل به استقلال (خصوصاً استقلال فرهنگی) شده است؛ یعنی بعد از پیروزی انقلاب و استقلال سیاسی کشور، خالق متن به این واقعیت رسیده است که بدون استقلال

فرهنگی، استقلال سیاسی، پایدار نخواهد ماند. به همین دلیل در این دوران تأکید خالق متن بر هویت اسلامی بسیار مشهود است.

۵. تأکید امام بر مؤلفه عدالت در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی عموماً با تأکید بر عدالت اقتصادی بوده است لکن این تأکید در بعد از پیروزی انقلاب به نظر نمی‌رسد. احتمالاً علت آن است که از دیدگاه خالق متن بعد از پیروزی، عدالت در همه زمینه‌ها بایستی اجرا شود و علاوه بر آن با تأکید ایشان بر خدمت به مردم خصوصاً محرومین، حوزه عدالت اقتصادی نیز معین می‌شود؛ یعنی منظور از عدالت اقتصادی آن مسائلی نیست که در حکومت‌های مارکسیستی مطرح شده بلکه تمرکز امام بر تقلیل فاصله طبقاتی و نجات محرومین از تبعیضات مختلف بویژه تبعیضات اقتصادی است. البته عدالت اقتصادی یکی از مؤلفه‌های مهم گفتمان امام است ولی نافی عدالت در سایر زمینه‌ها نیست. همچنین «مرفهین بی درد» همواره در شمار «غیر» یا «دیگر» گفتمان ایشان محسوب می‌شود. در هر صورت، نتایج حاصله صرفاً شامل نمونه‌های منتخب است.

۶. ردیف دوم جدول رتبه بندی، نسبت به جدول قبل از پیروزی، حجم بیشتری را به خود اختصاص داده است. یعنی شامل مؤلفه‌های بیشتری شده است. معنای این حالت آن است که خالق متن با مسائل جدیدی در مقابل گفتمان خود روبرو شده است که می‌بایست آنها را تعریف کند و حدود آنها را مشخص نماید. در این ردیف، نهادهای دولتی^۶ در کنار ولی فقیه - حضور دارد؛ یعنی حمایت و تأیید دولت نیز منوط به عملکرد و اهداف آن است. همچنین عنصر رقابت سیاسی با صفت سالم، تعریف و تحدید شده و در این ردیف آمده است. در گفتمان امام، منظور از رقابت سیاسی سالم؛ یعنی فعالیت سیاسی در چارچوب نظام اسلامی و بدون توطئه یا تخریب رقیب صورت پذیرد.

۷. در پایین‌ترین رتبه جدول یعنی جایی که از مؤلفه‌های آن دفاع محکم و سطح بالایی به عمل نیامده ولی تعریف و تحدید آنها وجود دارد به عنصر احزاب و گروه‌های سیاسی که در قبل از انقلاب مطرح بود، مؤلفه دموکراسی و نهادهای مدنی (غیر سیاسی) نیز اضافه شده است. با این وجود باید در نظر داشت که این معنا علاوه بر آنکه صرفاً محدود به نمونه‌های منتخب است، اساساً به علت شرایط بحرانی دوران ده‌ساله رهبری امام خمینی که اکثر توان کشور و مدیریت امام مصروف دفاع طولانی در برابر هجوم خارجی، محاصره اقتصادی و بحران‌ها و توطئه‌های خارجی و داخلی شد فاقد اولویت به نظر می‌رسد. تاریخ سیاسی کشورهای مختلف نشانگر آن است که

برقراری دموکراسی، توسعه سیاسی و گسترش نهادهای مدنی اکثراً در شرایط عادی و صلح آمیز میسر بوده است که چنین شرایطی فقط در ماه‌های آخر عمر امام خمینی به طور نسبی حاصل شد و چنان مفاهیمی در گفتمان ایشان بروز و ظهور بیشتری پیدا کرد.

قابل ذکر است که امام همیشه علاوه بر تأکید بر عمومی بودن سیاست، مشارکت سیاسی را به صورت مستقیم و مردمی یا مشارکت عامه و توده مردم، توصیه کرده و مورد توجه قرار داده است و احتمالاً به دلیل نگرانی از تفرقه و اعمال نفوذ قدرت‌های خارجی یا توطئه گروه‌های داخلی بی‌اعتقاد به نظام که در اوایل انقلاب امری مسجل بود نسبت به مشارکت سازمان یافته و از طریق گروه‌های سیاسی نوپا یا بی‌ریشه، اعتمادی نداشت. اما بعد از تثبیت نظام اسلامی که احزاب معتقد به نظام، فضای سیاسی کشور را پر کرده بودند از رقابت سیاسی سالم به شدت دفاع کرده است. نتیجه اینکه، مشارکت سیاسی سازمان یافته (از طریق احزاب و گروه‌های سیاسی) در چارچوب نظام اسلامی در گفتمان امام بلامانع بلکه مورد حمایت و تأیید به نظر می‌رسد و به همین دلیل می‌توان موضوع تکثرگرایی سیاسی را که در پی وجود نهادهای مدنی امری اجتناب ناپذیر است به عنوان یک اصل مورد قبول در گفتمان امام، معرفی کرد هر چند رحلت ایشان فرصت نداد تا تداوم تحول گفتمانی ایشان را در این عرصه و در شرایط و مشکلات و نیازهای دیگری ملاحظه کنیم لکن روش گفتمانی امام همواره در برخورد با مسائل جدید قابل الگوگیری است.

نهایتاً اینکه هیچ‌یک از مؤلفه‌های اصلی جامعه مدنی (جامعه مطلوب) در اندیشه مدرن نیست که در گفتمان امام پذیرفته نشده باشد. امام خمینی از اکثر مؤلفه‌های جامعه مطلوب به شدت و بدون قید و شرط، دفاع کرده است مانند حق مردم در تعیین سرنوشت خود، مسئولیت و پاسخگویی دولت، حکومت قانون و... .

همچنین سیر گفتمانی ایشان را می‌توان بر اساس انعطاف پذیری بیشتر در شرایط جدید و در آینده، تعریف کرد و توضیح داد و همواره در جهت دستیابی به جامعه‌ای هرچه مطلوب‌تر به عنوان شاخص و راهنمایی قابل اتکا از آن بهره مند شد.

محدودیت‌های تحقیق - مهم‌ترین محدودیت تحقیقات کیفی این است که اساساً در این نوع تحقیق، ادعای تعمیم نتایج به جامعه آماری وجود ندارد و صرفاً شامل نمونه‌های منتخب است. خصوصاً که روش تحلیل گفتمان یک روش تفسیری جهت درک بهتر معنای متن است و ممکن است محقق دیگری - حتی از همین نمونه‌های منتخب - به نتایج دیگری برسد. با این وجود به

علت اینکه شاخص مقوله جامعه مطلوب و جامعه مدنی از دیدگاه نظریه پردازان یا داوران و خبرگان موضوع طی مؤلفه‌ها یا معرف‌های مشخصی، بیان و تبیین شده است لذا می‌توان گفت این ارزش‌ها یا مؤلفه‌ها به طور کلی دارای اعتبار صوری (تأیید نظریه پردازان و خبرگان) و اعتبار سازه (تناسب ابزار تحقیق با مبانی نظری) است.

پیشنادهایی برای تحقیقات آینده = تحقیق حاضر را می‌توان زمینه ساز تحقیقات متعدد دیگری در عرصه اندیشه امام خمینی دانست. مهم‌ترین دلیل آن این است که تاکنون متون باقی مانده از امام خمینی با استفاده از شیوه تحلیل گفتمان مورد بررسی قرار نگرفته است. اساساً کاربرد این شیوه در تحقیقات داخلی، نسبتاً جدید است.

با توجه به موضوع این تحقیق می‌توان در آثار امام خمینی موضوعاتی از قبیل اخلاق سیاسی، دموکراسی، رابطه مردم و حکومت، مردم سالاری دینی، افکار عمومی، مفهوم مطالبات مردمی، تأثیر عنصر گفتگو در تحولات سیاسی، مشارکت سیاسی، نظارت مردم بر حکومت و دولت و... را مورد بررسی و تحلیل گفتمان قرار داد.

بسیاری از آثار امام از جمله نامه ایشان به گورباچف، وصیت‌نامه ایشان، بعضی از کتاب‌های ایشان مانند کتاب *ولایت فقیه* و... در ارتباط با پرسش‌ها و مشکلات روز، نیاز به بازخوانی و درک مجدد دارد. خلاصه عرصه بررسی و موضوع یابی در آثار امام خمینی به علت ارتباط با تمامی مسائل و مشکلات جامعه ما و جوامع دیگر، وجه‌ای جهانشمول دارد و نمی‌توان حد و مرزی برای آن قائل شد.

منابع

- استراس، آنسلم و جولیت کوربین. (۱۳۸۵) *اصول روش تحقیق کیفی*، ترجمه دکتر بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۵) *صحیفه امام (دوره ۲۲ جلدی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- براتعلی‌پور، مهدی. (۱۳۸۱) «امام خمینی و جامعه مدنی»، تهران: ستاد بزرگداشت یکصدمین سال میلاد امام خمینی.

- چاندوک، نیرا. (۱۳۷۷) *جامعه مدنی و دولت*، ترجمه فریدون فاطمی و وحید بزرگی، تهران: نشر مرکز.
- حسینی اسد آبادی، سید جمال. (۱۳۷۹) *مجموعه رسائل و مقالات*، به کوشش سید هادی خسرو شاهی، تهران: انتشارات کلبه شروق.
- خاتمی، سید محمد. (۱۳۸۰) *مردم سالاری*، تهران: انتشارات طرح نو.
- شریعتی، علی. (۱۳۵۷) *شیعه (مجموعه آثار)*، تهران: حسینیه ارشاد با همکاری دفتر تدوین و انتشار مجموعه آثار برادر شهید دکتر علی شریعتی در اروپا و انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا، چاپ اول.
- عالم، عبدالرحمان. (۱۳۷۹) *تاریخ فلسفه سیاسی غرب (عصر جدید و سده نوزدهم)*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چاپ دوم.
- فرقانی، محمد مهدی. (۱۳۸۲) *راه دراز گذار*، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه، چاپ اول.
- *فصلنامه حضور*، (شماره‌های ۱، ۱۱، ۱۵، ۱۷، ۲۰، ۲۹، ۳۰، ۳۳).
- گاندی، مهاتما. (۱۳۷۶) *همه مردم برادرند*، ترجمه محمود تفضلی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ نهم.
- گرامشی، آنتونیو. (۱۳۸۳) *دولت و جامعه مدنی*، ترجمه دکتر عباس میلانی، تهران: نشر اختران.
- لیدمان، سون اریک. (۱۳۸۴) *تاریخ عقاید سیاسی*، ترجمه سعید مقدم، تهران: نشر اختران.
- مروی، ابوالفضل. (۱۳۸۹) *جایگاه جامعه مدنی در گفتمان امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، چاپ اول.
- مولانا، حمید. (۱۳۸۲) *جامعه مدنی*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- هوتو، ژاک کنن. (۱۳۷۹) *توکویل*، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.

- Asirvatham Eddy and K.K Misra. (2004) *Political Theory*, S.Chand @ Company LTD. Ramnagar, New Delhi.
- B. Becker, Marvin. (1994) *The Emergence Of Civil Society In The Eighteenth Century*, Indiana University Press. Bloomington, IN.
- Britannica Library, *Encyclopedia* (cd). 2003
- Cynthia, B. Roy. (2000) *Interpreting as a Discourse Process*, Oxford US. New York.
- Chimbo Moira and Robert. L Roseberry. (1998) *The Power of Discourse (An Introduction to Discourse Analysis)*, Lawrence Erlbaum Associates, Mahwah, New Jersey, London.
- Encarta Reference Library(cd). (2003).
- *Longman Dictionary of English Language and Culture*, New Edition. (1998) Addison Wesley Longman Limited, Edinburg Gate, Hrlow, Essex, cmzo z ge, England, Second Edition.